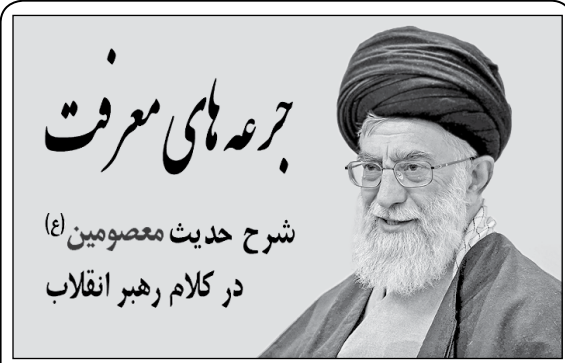


# کیهان



## برعه‌های معرفت

**شرح حدیث معصومین(ع)**

**در کلام رهبر انقلاب**

**صفای میان شیعیان این گونه باید باشد**

قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع) أَيُّهَا أَهْلُ الْإِثْمِ إِنِّي أُحِبُّهُ فَيُبْخَلُ بِنِدَّةٍ فِي كَيْسِهِ فَيَأْخُذُ حَاجَتَهُ فَلَا يَنْقُذُهُ؛ فَمَلَّتْهُ مَا أُنْفِرُ ذَاكُ فِينَا، فَأَقَالُ أَبُو جَعْفَرٍ: فَلَا شَيْءَ إِذًا، فَلَنْتُ فَأَهْلًاكَ إِذًا؟ فقال: إِنَّ الْقَوْمَ لَمْ يُنْظَمُوا إِخْلَادَهُمْ بَعْدَ(ع). آیا کسی از شما نزد برادر دینی خود می‌آید که دستش را در کیسه پول او کند و به مقدار حاجتش از پول او بردارد و او از آن عمل وی جلوگیری ننماید؟
راوی گفت عرض کردم حضرت کسی را در میان خودمان (با این صفت) نمی‌نامیم، حضرت باقر(ع) فرمود: پس در این صورت فضیلت و کمالاتی برای ایشان نیست، راوی گوید عرض کردم: پس در این حال، بدبخت شده‌اند؟ حضرت فرمود: همانا این جماعت هنوز به عقل و رشد و ظرفیت کامل نرسیده‌اند( زیرا اگر خوبی این صفات را درک کرده بودند آن را در بین خودشان اجراء می‌کردند)

حضرت امام محمد باقر(ع) از یکی از اصحابشآن سوال می‌کنند - که این مقدمه دیگر ذکر نشده که آن صحابی که بود و چه سوال کرده بود و از کجا آمده بود؛ اینها دیگر در این روایت نیست - که آیا در آنجایی که شما هستین، وضعیت اینجور است که یکی از شماها باید دستش را در جیب برادر دینی‌اش بکند و هر چه که لازم دارد، از جیب او بردارد، او هم ناراحت نشود؟ یا این حد رسیده‌اید که حیثیات برای همه‌یگر رایگان باشد؟
مرحوم حرزالدین نقل می‌کند که شیخ خضر در زمان مرحوم کاشف‌الغطاء، از عملی بزرگ بود و خیلی مورد توجه مردم قرار داشت. می‌گوید در روز عید، امام باقر(ع) و عسائیر و اینها که به شیخ خضر علاقه داشتند، منزل او آمدند و هدایا بردند - پول آوردند، طلا آوردند - و همین طور جلوی ایشان می‌گذاشتند و ایشان هم آن پولها و طلاها را جلوی دستش گذاشته بود و همان طور روی هم کورت شده بود، بعد شیخ جعفر کاشف‌الغطاء، امام و معلوم می‌شود آن وقتها هنوز شیخ باقرها در مقام ریاست نرسیده بود. ایشان آمد و نشست و چشمش به این پولها و طلاها افتاد. بعد پولش پویاش نزدیک ظهر شد و مردم رفتند. شیخ جعفر بلند شدد گوشه عیایش را پهن کرد و این طلاها و پولها را گوشه عیایش ریخت و گفت خداحافظ شما، وقتاً شیخ خضر هم نگاهي کرد و چیزی نگفت: تا لم یکن شیئاً مذکوراً

حالای این قضای که نقل کردم، دناله هم دارد، که دنباله‌هایش باز از این جالبتر هم هست، به در آن حضرت سوال می‌کنند که در اموال شخصی، شما اینجور هستیید که مثل قباپیتان را آنجا اوزبان کرده‌اید، رفیقتان می‌آید دست می‌کند در جیب کتلی شما و یک مقدار پولی که لازم دارد، برمی‌دارد و بقیه‌اش را آنجا می‌گذارد و بعد راه می‌افتد می‌رود، به شما هم اصلاً برخوردی و ناراحت نشود؛ چنین وضعی بین شما هست؟ «فقیل ما عرف ذلک فینا» آن راوی گفت که در بین خودمان اینجور وضعی نیست، «فقال فلا شیء» انگاه فرمود: پس هنوز خبری نیست، هنوز چیزی نیست.

من اینجا این جنبشیه را اضافه کنم که این مال زمان امام باقر(ع) است. در آن زمان، ششصد تدریجاً داشت شکل می‌گرفت. بعد از حادثه عاشورا، در ظرف این ۳۳ سال، ۳۴ سالی که دوران امام سجاد(ع) بود، تدریجاً و پولش پولش مردم جمع می‌شدند؛ چون بعد از حادثه عاشورا، آن شدت کمایی که به خرج داده شده بود، شیعه را متفرق کرده بعضی‌ها بر گشتند، بعضی‌ها منصرف شدند، بعضی‌ها از ولایت اهل بیت پشیمان شدند؛ هر کسی به یک طرف رفت. در این ۳۴ سال، پولش پولش مردم جمع شدند. در زمان امام باقر(ع) مردم بیشتر جمع شدند، مردم تدریجاً در شهرها، در نقاط مختلف، نزدیک و دور، جمع می‌شدند. این مال آن وقت است که حضرت می‌خواهند بگویند این کانونهای تشیع را باید در سرتاسر دنیای اسلام اینجور تشکیل دهید، اینجور با هم باصفا باشید.

حضرت می‌فرمودند: «فلا شیء» - هنوز هیچ خبری نیست؛ آنی که باید بشود، نشده است - آن طرف ترسید: «قیل قهاهلاک اذناک»، «هلاک» در اینجا در دو خیلی جاهای دیگر به معنای مردن نیست؛ در معنای بدبخت شدن است. یعنی پس دیگر بدبخت شدید؟ اینجا دیگر هیچی نیست؟ «فقال ان القوم لهم بعبطوا احلامهم بعد»، «حارم» در اینجا جمع «حلم» است. ماده «حَلَمَ یَحَلِمُ» به معنای حلم ورزیدن است؛ با «حَلَمَ یَحَلِمُ» که به معنای رؤیا و افشاح احلامی که در قرآن هست، تفاوت دارد. آن با بَنَنْتُمْ یَبْنِئْتُ است، حَلَمَ یَحَلِمُ است؛ این از باب شَرْفٌ یُشْرَفُ است. حَلَمٌ یَحَلِمُ اینجا احلام جمع است. پس هنوز به آن بردباری و آن ظرفیت لازم نرسیده‌اید. بنابراین به معنای هلاک نیست که بگویند نبود شدید، غناب خداگرمایشان را گرفت، نه، به معنای این است که هنوز آن ظرفیت لازم را پیدا کرده‌اید.

شرح حدیث در کتابهای درس خارج؛ ۱۰/۶: ۱۲۸۹۱
پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ی

[۱.کافی، ج۲، ص ۱۷۴ ]

## با خورشید انقلاب (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

### اهمیت و جایگاه فوق‌العادهٔ رمان از دید حضرت آقا

یادم می‌آید بعد از تروواقا که ایشان در بیمارستان بستری بودند، با جمعی تحت عنوان «انجمن هنرمندان مسلمان» در عیادت ایشان رفتم. حدود ده دوازده نفر بودیم - که در آن جمع هم مرتضی آوینی و آقای سید مهدی شجاعی هم بودند. صحبت‌های متعددی شد. ایشان خیلی تأکید کردند به نویسندگان، چون نویسندنها هم در جمع بودند، که شما در صورتی می‌توانید کتاب بنویسید و کتاب بخوانید که به کتاب آشنا باشید و رمان‌های مختلف را خوانده باشید. اگر رمان نخوانده باشید، نمی‌توانید رمان خوب بنویسید. نکتهٔ دیگری که اشاره کردند این بود که انتقال اندیشه‌ها توسط رمان صورت می‌گیرد. یعنی رمان یک ابزار خوبی است که تنها برای سرگرمی نیست.

تأکید ایشان این بود که رمان یک ابزار خوبی است برای انتقال اندیشه‌ها. مثلاً ایشان سوال کردند که کتابکی از شما کتاب «دل سنگ» را خوانده‌اید؟ جواب است که در آن جمع ده پانزده نفری که همه نویسند بودند، کسی یادش نبود و اگر آنکرد که من خواندم و بعد خود ایشان ادامه دادند که این کتاب «دل سنگ» برای میخائیل بولگاکوف است که زمانی که حکومت کمونیستی شوروی مسلط می‌شود، او این کتاب را می‌نویسد. کتابی است منتقدانه نسبت به آن سیستم و نظام کمونیستی. تا مدت‌ها هم اجازه انتشار نداشته و بعدها که شرایط فرق کرده، این کتاب هم منتشر شده است. توصیه می‌کردن که بروید و این کتاب را بخوانید. به هر حال این یک شاه‌مثال بودی برای اینکه یک رمان چطور می‌تواند اندیشه‌ها را منتقل کند. البته ایشان نسبت به این کتاب انتقادات فراوانی داشتند که بعدها بیان کردند.

• آقای محسن چینی‌فروشان، مدیر عامل سابق کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ی

## استفتاء از رهبر معظم انقلاب اسلامی

### نماز در حدّ تَرَحُّص

**(س) مسافری که به وطن خود می‌رود، وقتی به حدّ تَرَحُّص برسد، نمازش چگونه است؟**
ج) رسیدن به حدّ تَرَحُّص، وطن، برای تمام خواندن نماز، کافی است؛ ولی احتیاط در تأخیر تا ورود به شهر است.
**(س) مسافری که به جایی می‌رود که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، وقتی به حدّ تَرَحُّص برسد، نمازش چگونه است؟**
ج) رسیدن به حدّ تَرَحُّص شهری که قصد ماندن ده روز را دارد، بنا بر احتیاط واجب متوجه آنجا نیستند و احتیاط واجب در جمع بین قصر و اتمام و یا تأخیر در نماز تا ورود به شهر است

**علم و معرفت در آموزه‌های اسلامی در چنان جایگاهی بلند از اهمیت و ارزش قرار دارد که نمی‌توان سخن از انسان و انسانیت گفت و علم را به عنوان بخشی از حقیقت انسانی نندید؛ چرا که آنچه حقیقت انسان را ساخته و به وی ارزش خلقت بخشیده است، همان علم اسمایی است که خداوند به او تعلیم داده است. از این رو، اگر کسی طلب علم نکند، گویی از حقیقت انسانیت پهروی بازی زده است.**

**از نظر اسلام، سعادت واقعی و حتی بهشت اخروی در سایه علم و معرفت تحصیل می‌شود؛ زیرا بهشتی که خداوند برای انسان فراهم آورده و در آن سعادت و آرامش و آسایش جاودانه تحقق می‌یابد، چیزی جز حقیقت خدایی شدن انسان نیست که جز به علم و معرفت و عبادت حاصل نمی‌شود.**

**امام باقر(ع) از همین منظر وقتی به علم و مباحث و مسائل آن می‌نگرد، آن را همان عبادت بلکه بهترین و کامل‌ترین نوع آن بر می‌شمرد و شگفت‌انگیز تر آنکه علم و فراگیری آن را نه تنها مصداقی از نماز بلکه نیکوترین نوع نماز معرفی می‌کند. نویسنده در این مطلب تحلیلی ازاین واقعیت ارائه داده است.**

**علم: حقیقت وجودی و ارزشی انسان**

انسان ترکیب پیچیده از پست‌ترین عنصر هستی با برترین حقیقت هستی است؛ چرا که خداوند کالبد انسان را از گل بد بو و لجن آفریده و سپس از روح خویش در وی دمیده‌است(حجر، آیه ۲۹، ص ۷۲) این ترکیب به انسان قابلیت آن را داده است تا بتواند همه حقیقت‌خاوندی را مظهریت نماید. به این معنا که انسان با چنین ترکیبی از این قابلیت برخوردار شده است تا بتواند صفات و اسمای الهی را در صورت‌ ظهور و بروز دهد و صورت خدایی بگیرد. در برخی از روایات اسلامی این معنا آمده است که:ان خلق آدم علی صورته؛ خداوند آدم را بر صورت خویش بیافرید. به این معنا که خداوند همه اسما و صفات خویش را در انسان قرار داده تا ظهوری از حقیقت باطنی خداوند باشد. از این‌اسات قرآن چنین صورت‌گیری به عنوان تعلیم بلد الاسما(بقره، آیه ۳۱) بیان شده است. این تعلیم از سوی خداوند به معنای نوعی جعل تکوینی است؛ چنانکه خداوند خلقت را برای انسان تعیین کرده و او را خلیفه خود قرار داده‌است(بقره، آیه ۳۰) پس انسان به سبب آنکه همه حقیقت صفات و اسمای الهی را در خود داراست، شایسته مقام خالق الهی شده است.

پس حقیقت انسانی همان علم است، چنانکه ارزش

انسان و انسانیت نیز در همین علم است و همین علم اوست که او را در مقام خالق الهی قرار داده‌ است(بقره، آیه ۳۱) از این رو خداوند توجه و تأکید خاصی بر علم به عنوان مهم‌ترین عامل در تحقق حقیقت انسان و رشد او دارد و خواهان آن می‌شود تا با عبودیت نه تنها علم خود را به نمایش گذارد بلکه با عبودیت علم خویش را از مرتبای به مرتبای بالاتر از نظر کیفی نیز افزایش دهد و درجه‌های بی‌پایان علم و حتی علم‌الغیب را بر روی خود بگشاید(بقره، آیه ۲۸۲، کیف، آیه ۶۵، بقره، آیه ۹۹، جن، آیه ۷۲)

خبری نیست، هنوز چیزی نیست.

### حقیقت عبادت و عبودیت و بندگی را تنها کسی می‌تواند به نمایش گذارد که دارای علم و معرفت باشد؛ از این روست که خداوند خلقت خود را به بندهای ارزانی داشته است و فرشتگان را با آن همه مقام و منزلت و تقدیس و تسبیح شایسته آن ندانسته است که به عنوان خلیفه انتخاب و معرفی نماید.

**تلم و تعلیم، ماموریت الهی انسان**
یکی از ماموریت‌های الهی انسان، تعلیم و تعلیم است؛ زیرا انسانیت با تعلیم و تعلم است که حقیقت می‌یابد. انسان هر چند که از دارایی علمی برخوردار است، ولی ظهور و رشد آن بستگی به سرتاسر از فرآیندی دارد که انسان باید آن را فراهم آورد. مهم‌ترین عامل رشد و ظهور علم در انسان همان تقوا(بقره، آیه ۲۸۲) و عبادت(حجر، آیه ۹۹) است؛ زیرا تقوا و عبادت، و علم به علمی است که در ذات انسان سرشته و به ودیعت نهاده شده است. از این رو گفته شده با علم عمل رشد می‌یابد.

تلم به یک معنا تذکر حقیقت همان علمی است که

### معارف Maaref@Kayhan.ir

### علم آموزی و تحقیقات علمی، نیکوترین عبادت

نماز زیباترین، کامل‌ترین، نیکوترین و بهترین شکل عبادت است؛ زیرا همه آن خصوصیات نماز، بیانگر بندگی و عبودیت انسان است. انسان با نماز است که به خداوند متصل می‌شود و این ارتباط روحی میان انسان و خدا برقرار می‌گردد. انسان با نماز به خداوند وصل می‌شود و از حقیقت وجودی او بهره مند شده و مظهر جلوه‌های اسمایی می‌شود. از این‌رو در آیات و روایات بر نماز بسیار تأکید شده است.

با این همه، حقیقت عبادت و عبودیت و بندگی را تنها کسی می‌تواند به نمایش گذارد که دارای علم و معرفت باشد؛ از این روست که خداوند خلقت خود را به بندهای ارزانی داشته‌است که دارای علم است(بقره، آیات ۳۱ تا ۳۳) و فرشتگان را با آن همه مقام و منزلت و تقدیس و تسبیح

بودند رو کرد و فرمود: «این هر دو دسته کار نیک می‌کنند و بر خیر و سعادتند» آنگاه جمله‌ای اضافه کرد: «لکن من برای تعلیم و داناکردن فرستاده شدم». پس خودش به طرف همان دسته که به کار تعلیم و تعلم اشتغال داشتند رفت و ج ۱، ص ۱۵، به نقل از منیه المرید، چاپ بمبئی، ص ۱۰)

### فواید مباحثه و مذاکره علمی

اینکسه انسان در گروه‌های علم آموزی وارد شود و در گفت‌وگوهای علمی و تحقیقات و پژوهش‌های علمی مشارکت کند بسیار مهم است؛ زیرا حضور در چنین جمع‌هایی به انسان کمک می‌کند تا دانش را به درستی بیاموزد. دانش‌آموختن اگر همراه با درس و بحث و گفت‌وگو و مذاکره باشد از این جهت مثبت و مفید است که مطالب به دقت به خاطر سپرده می‌شود و هم اینکه با مداخله و

# علم آموزی؛ نیکوترین عبادت از نگاه امام باقر (ع)

**عباس‌معینی‌فر**

شایسته آن ندانسته‌است که به عنوان خلیفه انتخاب و معرفی نماید(همان) بنابراین، خلیفه تنها بنده عالم خداوند است که از همه اسما و صفات الهی با علم شهودی بهره‌مند باشد. ظن نباشد، در مذاکرات است که‌اشکال آن معلوم می‌شود. از این آروست که عبادت درجه‌ای به سوی ظهور علمی انسان است و انسان در این چارچوب و مسیر است که خدایی می‌شود و سزاوار خلقت ربوبی خداوند می‌گردد. بر بشر تعلیم و انسان در این چارچوب و مسیر است که فوق‌هیمن‌الغیورن) دانسته‌اند؛ زیرا بدون علم و معرفت، عبادت را ارزشی و بهایی نیست؛ چنانکه فرشتگان عبادتگران بی‌مثال هستند و در تسبیح و تقدیس کسی به پای ایشان نمی‌رسد(بقره، آیه ۳۳ تا ۳۴) اما با این همه خداوند ایشان تعلیم دهنده از نقاط قوت و ضعف علم خویش آگاه می‌شود و مباحث، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و هم موجبات نمو و رشد علمی شخص می‌شود و هم فرصت یادگیری بهتر و درست‌تر را فراهم می‌آورد.

به نظر می‌رسد که در این عبارت کوتاه امام هر چند که

مطلق تذکر، درس و علم آمده است،ولی از آنجا که ارتباط با نماز داده شده می‌توان گفت که مراد گفت‌وگوهای علمی است که انسان را به تحقیق و پژوهش در عرصه‌های علم



خواهان آن است که انسان همه چیز از عقیده و رفتار و سخن خویش را بر علم مبتنی کند؛ زیرا چنین علمی به معنای صفت خدایی یافتن انسان است(بقره، آیات ۸۰ و ۱۲۰).

خداوند به پیامبران فرمان می‌دهد که به تعلیم مردمان بپردازند و ایشان را با حقیقت خود آشنا سازند و اجازه ندهند تا دنیا و دین، و سوسمه‌های ابلیسی، آنان را از این حقیقت غافل کند(بقره، آیات ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران، آیه ۱۶۴) در روایات اسلامی نیز بارها به علم و علم آموزی و ارزش آن توجه داده شده و یکی از اموری که شتاب در آموزش آن مورد تأکید است همین علم آموزی است. امام باقر(ع) می‌فرماید: سارعا فی طَلَب العلم؛ در جست‌وجوی دانش شتاب کنید(الحجاسن، البرقی، ج ۱، ص ۲۵۶) آن حضرت هم چنین می‌فرماید: اِنْ جَمِيعَ ذَوَابِّ الارْضِ اَتَسَلَى عَلٰی طَالِبِ الْعِلْمِ حَتٰى الْجَنَاتِ فی التَّبْعِ؛ همه جنیندگان زمین، حتی ماهیان دریا، بر جویندگان دانش درود می‌فرستند(بصائر الدرجات، ج ۴، ص ۲۴)

## چرایی و جوب حکومت اسلامی

بر اساس آموزه‌های قرآن، وجوب حکومت اسلامی الزام آور است تا بتواند احکام الهی را هم چون احکامه نماز، گرفتن زکات، اجرای قوانین قضایی و مانند آنها را اجرایی کند؛ زیرا هر گونه قساوت خواهی از طاغوت حرام بوده و ولایت طاغوت باطل است و لازم است به جای طاغوت به ولایت غیر طاغوت تن داد که ولایت الهی است(بقره، آیه ۲۵۷؛ نساء، آیه ۷۶)

خدا در قرآن می‌فرماید: «یا ندیده‌ای کسانیا را که می‌نهند به آنچه به سوسوی تو نازل شده و بسه آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان آورده‌اند، یا این همه می‌خواهند داری و حکومت قضایی میان خود را به سوسوی طاغوت ببرند، یا آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند، ولی شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری گرداند»(آیه ۶۰، فصل ۲۵) هر کفر نسبت به طاغوت برای مومنان لازم است و هرگز نمی‌توانند در امر قضایی به طاغوت مرتجع کنند؛ و از آنجا که قضاوت به حوزه‌امور اجرایی مربوط است، به طور طبیعی این قضاوت نیازمند اقتدار و زور مشروعی است که تنها برای ولایت الله خواهد بود. از نظر قرآن، ولایت الله در مظاهر آن جاری است که شامل پیامبر(ص) و نیز مومنانی است که در طول پیامبر(ص) به عنوان مظاهر الهی از ولایت برخوردار هستند. این مومنان بر اساس آیه ۵۵ سوره مائده همان‌هایی هستند که به عنوان مصادقی از دادن زکات در هنگام نماز یاد کرده و روایات تفسیری از شیعه و سنی آن فرد را امیرمومنان علی(ع) معرفی کرده است. از این افراد به عنوان اولی‌الامر یاد شده است که به نصب الهی و حکم پیامبر(ص) ولایت یافته‌اند.

خدا در قرآن قبل از نفسی حکومت طاغوت و مراجعه به سوسوی آنها در آیه قبل از آن می‌فرماید: «ای کسانیا که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید(ع) و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید، پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید یا هر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبرش عرضه کنید؛ این بهترین و نیک‌ترین فرجام‌تست»(نساء، آیه ۵۹) از آنجا که ولایت مظاهر الهی در برابر ولایت طاغوت قرار می‌گیرد، لازم است که این ولایت حتی پس از معزوم آن در زمان غیبت نیز وجود داشته باشد؛ زیرا مردم را هر امر دیگر نمی‌نماید(ع) و مراجعه به حکومت اولیای الهی و انکار ولایت

خدا در قرآن قبل از نفسی حکومت طاغوت و مراجعه به سوسوی آنها در آیه قبل از آن می‌فرماید: «ای کسانیا که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید(ع) و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید، پس هر گاه در امری اختلاف نظر یافتید یا هر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به خدا و پیامبرش عرضه کنید؛ این بهترین و نیک‌ترین فرجام‌تست»(نساء، آیه ۵۹) از آنجا که ولایت مظاهر الهی در برابر ولایت طاغوت قرار می‌گیرد، لازم است که این ولایت حتی پس از معزوم آن در زمان غیبت نیز وجود داشته باشد؛ زیرا مردم را هر امر دیگر نمی‌نماید(ع) و مراجعه به حکومت اولیای الهی و انکار ولایت

صفحه ۶
یک‌شنبه ۲۸ مرداد ۱۳۹۷
۷ ذی‌الحجه۱۴۳۹ - شماره ۲۱۹۸۲



### چراغ راه

### پنج خصلت انسان متعالی

**قال الامام الباقر(ع) فی وصیه لجابرین یزید الجعفی: «با جابرا! اوصیک بخصی: ان ظلمت فلا تقلم، و ان خانوک فلا تخن، و ان کذبت فلا تغضب، و ان مدحت فلا تفرح، و ان ذممت فلا تجزع»**

اصامت باقر(ع) ضمن وصایای خود به جابر جعفی فرمود: ای جابرا! تو را به پنج چیز سفارش می‌کنم: ۱- اگر به تو ستم کردند تو ظلم نکن ۲- اگر به تو خیانت کردند تو خیانت نکن ۳- اگر تو را تذکبیت کردند و دروغو پنداشتند، خمشگین مشو ۴- اگر مدح و ثنای تو بد را گویند و از تو تعریف کردند، شدا و خوشحال نشو ۵- اگر از تو بد گفتند و نکوهشت کردند، بر آشفته و ناراحت مشو.<sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۶۲



### حکایت خوبان

### ارجمندترین و مغبوض‌ترین مردم نزد خدا

از امام باقر(ع) سؤال شند: ارجمندترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: هر که بیشتر یاد خدا کند و بیشتر اطاعتش نماید. گفتم: مغبوض‌ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: آنکه خدا را متمهم سازد. گفتم: کسی باشد که خدا را متمهم سازد؟ فرمود: آری کسی که استخاره کرده ولی استخاره‌اش بد باشد اما دست و ناخوش‌اند اوست، پس خشم کرده و خدا را متمهم نموده است.

گفتم دیگر چه کسی؟ فرمود: آنکه از خدا شکوه کند. گفتم: کسی باشد که از خدا شکوه کند؟ فرمود: آری، آنکه چون گرفتار بلا شود، بیش از آن را که رسیده به مردم اظهار کند؛ گفتم: دیگری چه کسی؟ فرمود: کسی که چون عطا شود، شکر کند و چون گرفتار بلا گردد صبر ندارد.

گفتم: ارجمندترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: کسی که هر گاه عطایی به وی شود، شکر کند و چون بلایی ببیند، صبر کند. <sup>(۱)</sup>

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۴۷



### پزشش و پاسخ

### پزشش ما

### و پاسخ‌هایی از امام باقر(ع)

۱- بدترین عقوبت خداوند در دنیا چیست؟
پرواض است کسی که راه کمال را نپیماید، و در بیراهه و در مسیر گناه گام بردارد، به بلاهایی در دنیا و آخرت گرفتار می‌شود. خوب است از زبان امام باقر(ع) بدانیم بدترین مجازات الهی در دنیا چیست؟ پاسخ امام باقر(ع): «ما ضرب عبد بغیوبه اعظم من سبوةالقلب؛ هیچ بنده‌ای به کفری بزرگ‌تر از سنگدلی و سخت‌دلی کفر نشد.» (تحفالعقول، ص ۲۹۶)

راز این مسئله را حضرت باقر(ع) در سخن دیگری آشکار نمود؛ آنجاکه فرمود: «علم انه لاعلم کتلب السلامة و لسلامة کسلامة القلب (بدان که هیچ علمتی چون طلب سلامت نیست و هیچ سلامتی مانند سلامت قلب نیست.» (همان، ص ۲۸۶)
بسه یقین می‌توان گفت که مقصود حضرت فقط علم پزشکی و سلامتی جسم و جان و قلب گوشتی نیست، بلکه سلامتی قلب از گناهان و قساوت نیز مقصود است.

در این جمله گناهانی که سلامتی قلب را به خطر می‌اندازد و قساوت را در پی دارد، تکیبر است.

حضرت باقر(ع) فرمود: «ما دخل قلب امرء شیء من الکبر الا نقص من عقله مثل ما دخله من ذلک قل ذلک او کثر؛ چیزی از کبر در قلب مرد داخل نمی‌شود، مگر آنکه به همان مقدار از عقلش کاسته می‌شود، چه کبر باشد یا زیاد.» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۸۶)

۲- برترین شاخص‌های بندگی و اطامت خداوند چیست؟
آری، متوجه شدیم که نفرمانی خدا، بدترین مجازات را که قساوت قلب باشد، دربی دارد، اکنون جا دارد، از محضر حضرت باقر(ع) با زبان حال برسیم که برترین شاخص‌های بندگی و اطامت خداوند چیست تا در کنار عبادات واجبه به انجام آن اقدام کنیم؟
حضرت باقر(ع) در پاسخ به این سوال می‌فرماید: «ماعبداالله بشيء افضل من عفه بطن و فرج؛ خداوند با چیزی برتر از عفت شکم و دامن

پرستیده نشده است.» (الکافی، ج ۲، ص ۷۹)
از این روایت استفاده می‌شود که عبادت، فقط عبادت‌های مرسومه واجب و مستحب نیست؛ بلکه در معنای عام، عفت جستن از امور شهوانی و دوری از لقمه حرام نیز عبادت و بلکه عبادت برتر شمرده می‌شود.

همچنین به فرموده حضرت باقر(ع)، در نجوایی که خداوند در کوه طور با موسی(ع) داشت، فرمود: «بلغ قومک انه ما يتقرب الی المتقربون به مثل البکاء من خشیتی و ما تعبد الی المتعبدون بمثل الورع من محارمی؛ به قومت برسآن که هیچ چیزی تقرب‌جویان به سوسی من را مانند گریه از خوف من به من نزدیک نمی‌سازد و هیچ عبادتی از عبادتگران من به مانند دوری از حرام‌های من ارزشمند نیست.» (عباداتالاعمال، شیخ صدوق، ص ۲۵)

زاین روایت برتری آن است که پیامبر اکرم(ص) فرمود: «عبادت خداوند از طریق نماز و سایر عبادات) با خوردن لقمه حرام، مانند ساختن خانه بر روی ریگ یا بر آب است.» (منتخب میزان‌الحکمه، ص ۲۲۶)



### سلوک عارفانه

### خودسازی درونی (حکومت عقل)، لازمه اصلاحات بیرونی

(بدان ای سالک راه خدا!) برای تأثیر‌گذاری و سازندگی در روابط اجتماعی و معاشرت‌های بیرونی، باید اولاً خود را از نظر درونی موبد و ساخت و تا نبای از نظر بیرونی از ابزار متناسب با آن استفاده کرد. تادیب درونی یعنی حکومت عقل بر جمیع قوای نفسانی مرئی، و این ابزار بیرونی مناسب نیز این است که روش‌های انسانی و الهی به کار گرفته نشود... خود(ع) در روایتی فرمودند: شخص بدرقار را با عمل خوب خود اصلاح کن و پس با گفتارهای زیبای خود، او را به خیر و خوبی راهنمایی کن. (۱)

۱- بررسی حکومت عقل در مسائل تربیتی، ای‌لا. شیخ مجتبی‌تهرانی، ماهنامه پاسدار اسلام، ش ۴۳۳، ص ۴

صفحه معارف روز های: **شنبه، یک‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود**
**تلفن‌های مستقیم: ۰۲۳۹۶۱۹۹۱ - ۰۲۳۲۱-۲۵۲**
**Maaref@kayhan.ir**